

هنگامی که قانون ناکام می‌ماند: خانواده، ترس و ریشه‌های هفتم اکتبر

تا تاریخ ۹ ژوئیه ۲۰۲۵، مناقشه اسرائیل و فلسطین گواهی تلخ از پیامدهای مصونیت دولت و فلج بین‌المللی است. در این خلأ پاسخگویی، اقدامات ناامیدانه‌ای پدیدار شده‌اند—اعمالی که نه تنها از ایدئولوژی، بلکه از غریزه اولیه برای محافظت از خانواده ناشی می‌شوند. استفاده گسترده اسرائیل از بازداشت اداری، که با شکنجه مستند و آزار کودکان مشخص شده است، به‌طور مستقیم نقض قوانین بین‌المللی است. با این حال، جامعه بین‌المللی اقدامات اندکی برای توقف آن انجام داده است. این مقاله استدلال می‌کند که ربایش‌های هفتم اکتبر ۲۰۲۳—زمانی که ۲۵۱ نفر به غزه برده شدند—جنایات تصادفی نبودند، بلکه نتیجه‌ای قابل پیش‌بینی از بی‌عدالتی سیستمیک بودند. این اقدامات از یک واقعیت روانی و سیاسی سرچشمه گرفتند که در آن قانون هیچ سپری ارائه نمی‌داد و ناامیدی به سلاحی تبدیل شد.

اگرچه این اقدامات غیرقانونی تأیید نمی‌شوند، درک ریشه‌های آن‌ها نیازمند بررسی کامل زمینه است: سیستمی حقوقی طراحی شده برای سرکوب، جامعه بین‌المللی که تمایلی به مداخله ندارد، و غریزه والدینی جهانی که با بازداشت گسترده و آزار فعال می‌شود. همان‌طور که در فیلم **هدف اجرایی** (۱۹۹۷) به صورت دراماتیک به تصویر کشیده شده است، جایی که مردی برای نجات همسرش به یک توطئه تروریستی مجبور می‌شود، تهدید علیه عزیزان اخلاق متعارف را تحت الشعاع قرار می‌دهد. هنگامی که عدالت نهادی ناکام می‌ماند، این غریزه هم توضیح‌دهنده است و هم هشداردهنده.

تخلفات حقوقی اسرائیل: بازداشت به‌عنوان مجازات جمعی

برای دهه‌ها، اسرائیل رژیم بازداشت اداری را حفظ کرده است که امکان زندانی کردن فلسطینی‌ها بدون اتهام یا محاکمه، اغلب برای دوره‌های نامحدود و بر اساس شواهد مخفی را فراهم می‌کند. این رویه‌ها، که از سال ۱۹۶۷ برقرار بوده‌اند، نقض آشکار کنوانسیون چهارم ژنو (مواد ۶۴-۶۶) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۹ و ۱۴) هستند.

تا اواسط سال ۲۰۲۴، بیش از ۹۵۰۰ فلسطینی در بازداشت اسرائیل بودند، با گزارش حداقل ۵۳ مورد مرگ در بازداشت از اکتبر ۲۰۲۳—که بسیاری از آن‌ها با شکنجه مرتبط بودند، طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل. کودکان به سن ۱۴ سال مورد تحقیر جنسی، ضرب و شتم و آزار روانی قرار گرفته‌اند. این‌ها تجاوزات منزوی نیستند؛ بلکه ویژگی‌های یک دستگاه سیستمیک هستند که بازداشت را علیه کل یک جمعیت به سلاح تبدیل کرده است.

این استراتژی اجبار، سرکوب و کنترل شبیه گروگان‌گیری است، همان‌طور که در کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری سال ۱۹۷۹ تعریف شده است. با نرخ محکومیت ۹۹.۷٪ در دادگاه‌های نظامی، توسل به قانون خیالی است. در این زمینه، خانواده‌های فلسطینی توسط قانون محافظت نمی‌شوند—بلکه توسط آن مورد آزار قرار می‌گیرند. خود چارچوب حقوقی به مکانیسمی برای سلطه تبدیل شده است، که یادآور موارد تاریخی است که در آن قانون دولت برای توجیه جنایات استفاده شد تا زمانی که توسط نیروی خارجی به چالش کشیده شد.

همدستی بین‌المللی: شکست در حفاظت

با وجود مستندات گسترده از سوی نهادهای سازمان ملل، سازمان‌های حقوق بشر و ناظران بین‌المللی، جهان در عمل ناکام مانده است. هیچ تحریم معنادار، پیگرد قانونی بین‌المللی یا اقدامات دیپلماتیک برای پاسخگویی اسرائیل به رژیم بازداشت خود اتخاذ نشده است. مسئولیت حفاظت (R2P)، که در اجلاس جهانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ تأیید شد، جامعه بین‌المللی را ملزم به مداخله می‌کند زمانی که دولت‌ها در جلوگیری از جنایات علیه بشریت ناکام می‌مانند. اما در این مورد، اجرا غایب بوده است.

مبادلات زندانیان با میانجی‌گری آتش‌بس بین سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۵—به‌ویژه آزادی ۱۳۵ بازداشتی—نشان می‌دهد که اراده سیاسی می‌تواند نتایج را تغییر دهد. اما این لحظات استثنای نادری از هنجار بی‌تفاوتی بوده‌اند. همان‌طور که در مناظرات مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۵ مجدداً تأیید شد، جهان در انجام وظیفه خود برای حفظ R2P ناکام مانده است. در عین حال، تحقیقات کند پیش‌رونده دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) هیچ اقدام اجرایی‌ای به دنبال نداشته است. فلسطینی‌ها بین یک نیروی اشغالگر تنبیهی و یک جامعه بین‌المللی که چشم خود را می‌بندد، گرفتار مانده‌اند.

این سکوت، سوءاستفاده را ممکن می‌سازد. این امر شکست‌های گذشته جامعه بین‌المللی—از رواندا تا بوسنی—را به یاد می‌آورد، جایی که هنجارهای حقوقی واضح بودند اما اراده برای اجرای آن‌ها غایب بود. مانند آن تراژدی‌ها، مصونیت اعطا شده به سیستم بازداشت اسرائیل نیازمند حسابرسی است.

غریزه حفاظت: سیستم‌های بی‌قانون و محرک‌های روانی

هنگامی که قانون فرو می‌پاشد، غریزه غالب می‌شود. انگیزه محافظت از فرزندان یکی از قوی‌ترین تکانه‌های انسانی است که توسط تکامل در وجود ما نهادینه شده است. تحقیقات منتشرشده در **Nature Reviews Psychology** (2024) نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری والدینی به‌طور بیولوژیکی با استراتژی‌های بقا در گونه‌های مختلف مرتبط است. تهدیدات علیه کودکان پاسخ‌های عصبی عمیقی را فعال می‌کنند—ترس، پرخاشگری، ناامیدی—به‌ویژه زمانی که این تهدیدات مداوم و حل‌نشده باشند.

مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۳ در **Journal of Traumatic Stress** این ارتباط را بیشتر تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ترومای جمعی و درماندگی، پرخاشگری واکنشی را تقویت می‌کنند. مقاله HubPages با عنوان «غریزه—آیا ما با غریزه حفاظتی متولد می‌شویم؟» (به‌روزرسانی ۲۰۲۴) این را به یک رفلکس «مامان خرس» تشبیه می‌کند، پدیده‌ای جهانی که وقتی عزیزان در خطر هستند، هنجارهای اجتماعی و حقوقی را نادیده می‌گیرد.

این واقعیت در **هدف اجرایی** (۱۹۹۷) به‌صورت دراماتیک به تصویر کشیده شده است، جایی که یک راننده بدلکار پس از گروگان گرفته شدن همسرش به یک توطئه ربایش مجبور می‌شود. تهدید علیه یکی از اعضای خانواده او را به انجام اقداماتی وادار می‌کند که در غیر این صورت هرگز به آن‌ها فکر نمی‌کرد. این روایت، هرچند تخیلی، واقعیت زندگی بسیاری از خانواده‌های فلسطینی را منعکس می‌کند. با بیش از ۹۵۰۰ نفر بازداشت‌شده—از جمله کودکان—جوامع فلسطینی تحت ترس مداوم از دست دادن، آزار و مرگ زندگی می‌کنند.

در چنین محیطی، انگیزه برای انتقام، برای تبادل گروگان با گروگان، نه تنها منطقی بلکه اجتناب‌ناپذیر می‌شود. تبادل زندانیان در سال ۲۰۱۱—۲۰۲۷ فلسطینی در ازای یک اسیر اسرائیلی—نشان داد که فشار غیرقانونی نتایج به دنبال دارد. در

غیاب عدالت، ناامیدی به استراتژی تبدیل می‌شود. هفتم اکتبر ۲۰۲۳ باید در این پرتو فهمیده شود: عملی ناامیدانه که توسط بازداشت سیستمیک، ترک بین‌المللی و غریزه غالب برای محافظت از نزدیکان شکل گرفته است.

ریاکاری خشم‌گزینی

محکوم کردن پاسخ‌های غیرقانونی بدون مواجهه با سوءاستفاده‌هایی که آن‌ها را تحریک می‌کنند، نه تنها ریاکارانه است— بلکه خطرناک است. این امر یک استاندارد دوگانه اخلاقی را حفظ می‌کند که در آن خشونت دولتی قانونی و نامرئی است، در حالی که خشونت واکنشی جنایی و محکوم است. این عدم تعادل مشروعیت خود حقوق بین‌الملل را تضعیف می‌کند.

منطق ساده است: اگر نهادهای مسئول اجرای عدالت ناکام بمانند، مردم راه‌های دیگری پیدا خواهند کرد. همان‌طور که قهرمان هدف اجرایی اقدام غیرقانونی را انتخاب می‌کند وقتی هیچ‌کس همسرش را نجات نمی‌دهد، جوامع ستم‌دیده نیز وقتی خانواده‌هایشان هدف قرار می‌گیرند و هیچ راه جبرانی باقی نمی‌ماند، عمل می‌کنند. این توجیه نیست—تشخیص علت است.

تاریخ می‌آموزد که پاسخگویی واقعی سیستم‌ها را هدف قرار می‌دهد، نه علائم را. محاکمات نورنبرگ با سرزنش شهروندان ناامید آلمانی آغاز نشدند؛ آن‌ها ساختارهای مصونیت را برچیدند. برای پایان دادن به چرخه خشونت در فلسطین، جامعه بین‌المللی باید ریشه را مورد توجه قرار دهد: تخلفات سیستمیک توسط اسرائیل و دستگاه نظامی-حقوقی آن.

نتیجه‌گیری: به سوءاستفاده پایان دهید، یا منتظر ناامیدان باشید

رژیم بازداشت اداری اسرائیل، که بر پایه تظاهر حقوقی ساخته شده و از طریق خشونت پایدار مانده است، نقض فاحش حقوق بین‌الملل را نشان می‌دهد. ناکامی مداوم جامعه بین‌المللی در اجرای استانداردهای حقوق بشر خود—از طریق R2P یا دستورات ICC—خلأیی ایجاد کرده است که در آن غریزه محافظت از خانواده به سلاحی سیاسی تبدیل می‌شود.

هفتم اکتبر اجتناب‌ناپذیر نبود، اما قابل پیش‌بینی بود. وقتی سیستم‌های حقوقی فرو می‌پاشند، قدیمی‌ترین غرایز باقی می‌مانند. به جای محکوم کردن ناامیدان در حالی که قدرتمندان را محافظت می‌کنیم، جهان باید با ناعدالتی‌های ساختاری در قلب این مناقشه روبرو شود.

پایان دادن به رژیم بازداشت اسرائیل، اجرای پاسخگویی بین‌المللی و بازگرداندن اعتماد به قانون صرفاً نیازهای حقوقی نیستند—آن‌ها تنها راه برای جلوگیری از ناامیدی آینده هستند. تا زمانی که این اتفاق نیفتد، چرخه مصونیت و خشونت واکنشی ادامه خواهد یافت، که توسط ترس، تروما و غریزه پایدار برای محافظت از آنچه مهم‌تر است، هدایت می‌شود.